

تأثیر قطعیت اجرای مجازات حبس در بازدارندگی از تکرار جرم

در جرائم مواد مخدر و روان گردان در استان البرز در سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹

وحید چگنی^۱ / پیمان مربی^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

چکیده

بحث قطعیت و حتمیت مجازات ها در جرائم مبارزه با مواد مخدر و روانگردان بدین معنا می باشد که زمانی که شخصی قصد ارتکاب بزه دارد چه میزان احتمال دستگیری وی از مرحله کشف بزه وجود دارد و به تبع این موضوع چه میزان احتمال مجازات و سپری شدن تمامی مجازات در مرحله رسیدگی قضایی برای مرتکبین جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان وجود دارد که طی بررسی های به عمل آمده توسط نگارنده با بررسی آمار ظاهری و واقعی جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان ارتكابی در بازه زمانی سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در استان البرز مشخص گردیده در جرائم اعلامی میزان قطعیت و حتمیت مجازات ها با توجه به آمار به دست آمده بسان کوه یخی می ماند که تنها برف های نوک قله قابل مشاهده است و همین موضوع به دلیل افزایش و سودمندی ارتکاب جرم در مقابل مجازات باعث افزایش آمار جرایم و کاهش بازدارندگی مجازات ها گردیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

واژگان کلیدی: حبس، قطعیت، تکرار جرم، بازدارندگی.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، قاضی دادگستری. (نویسنده مسئول)

vahidchegeniii1990@gmail.com

^۲ قاضی دادگستری.

peymanmorabi@gmail.com



مقدمه

وجود یک جرم در جامعه حکایت از این موضوع دارد که یکی از اعضای جامعه بر پایه افکار و عقاید فاصله گیر از هنجارها و ارزش های اجتماعی مشخص و مورد قبول سایر اعضای جامعه، مرتکب عمل خلافی گردیده است. این حرکت فاصله گیر از هنجارها و ارزش های اجتماعی در قاموس سیاست جنائی جرم نامیده می شود. هرگاه جرم در حوزه یک اجتماع به وقوع بپیوندد لازم است بر اساس اصول راهبردی و اهرم های مشخص به این پدیده ناقض گونه پاسخ داده شود، پاسخ دهی به این پدیده یکی از اهداف بنیادین سیاست جنایی می باشد. مجموعه هدفمند با به کار گیری ابزارها و اهرم های ویژه می تواند در راستای اهداف مهم و اساسی که دنبال می کند نوع خاصی از پاسخ نظام مند را انتخاب کرده و بدین ترتیب در جایگاه مقابله با بزهکاری قرار گیرد. هدف از پاسخ دهی می تواند سرکوبگرانه، پیشگیرانه و بازدارنده با سلب توان بزهکارانه باشد و پیرو هر کدام از این اهداف نوع خاصی از برخورد کنشی یا واکنشی سیاست جنایی، عملکرد سازمان یافته و دقیق خواهد داشت و بسته به نوع نگاه و زاویه دید سیاست جنایی از هر کشور نسبت به کشور دیگر و از هر جرم نسبت به جرم دیگر متغیر خواهد بود. لذا نوع عکس العمل و واکنشی که می بایست به یک جرم نشان داد بستگی به عوامل متعددی دارد که این عوامل متأثر از میزان تاثیر هر جرم با جرم دیگر متفاوت است بر اساس نظریه جرم شناسی مدیریتی (مدیریت خطر فرصت های جرم) بزهکار به عنوان یک کنشگر خرد ورز نگریده می شود که تصمیم های محاسبه شده ای درباره هزینه ها و سود رفتار مجرمانه اش می گیرد. به همین دلیل، گفته شده که جرم شناسی مدیریتی درصدد کاهش فرصت های جرم در راستای سنگین تر کردن هزینه ها و خطر های جرم بر سود و نفع احتمالی آن است.^۱ وقتی مجرمان مواد مخدر مصرانه دست به ارتکاب این جرم می زنند، تاثیرات زیانباری بر قربانیان، اجتماعات، مجرمین و خانواده هایشان داشته و در حقیقت اثرات اقدام ایشان فراتر از آن است که قابل اندازه گیری باشد. ارتکاب مجدد جرم هزینه های بسیاری دارد زیرا نه تنها شامل هزینه های مرتبط با جرم مجرم می باشد بلکه شامل هزینه های شکست مجازات مجرم نیز می شود. در مباحث مربوط به بازدارندگی مجازات های مرتبط با مواد مخدر، بین (مجازات قانونی) و (مجازات مورد انتظار) تفاوت گذاشته می شود. مجازات قانونی آن است که در قوانین مبارزه با مواد مخدر پیش بینی شده است. اما مجرم در مقام تصمیم گیری برای ارتکاب جرم قرار می گیرد، علاوه بر شدت مجازاتی که در قانون پیش بینی شده است، قطعیت و احتمال آن را در نظر می گیرد. به این ترتیب مفهوم مجازات مورد انتظار مطرح می شود. مجازات مورد انتظار، نشان

¹ (Tierney, 2009, pp. 6-7).



دهنده میزان واقعی مجازاتی است که در صورت ارتکاب جرم، متوجه فرد خواهد شد. برای مثال اگر حمل ۳ گرم شیشه دارای مجازات قانونی پنج سال حبس باشد و احتمال دستگیری و محکومیت نیز ۲۰ درصد باشد، میزان مجازات مورد انتظار عبارت است از یک سال حبس آنچه در بازدارندگی مجازات های مواد مخدر اهمیت اصلی را دارد، همین مجازات مورد انتظار است. در سال های اخیر در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران به صورت بی ضابطه و بی رویه از نهاد های تخفیفی با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، افزایش تصویب مقررره های تخفیفی و ارفاقی در قوانین مختلف در قوه مقننه و با صدور بخشنامه ها و آیین نامه های متعدد از سوی مقامات عالی قوه قضاییه تحت عناوین مختلف به مانند طرح پایش زندانیان، طرح کاهش زندانیان، اعطای مرخصی های پایان حبس، اعطای مرخصی اعیاد یا پیش بینی یا به طور شش مناسبت در آیین نامه عفو بخشودگی در سال و عفو مکرر محکومان می تواند در کنار نشان دادن رافت اسلامی به معنای عدم اجرای کامل مجازات باشد، این موارد تا حدود زیادی اصول حتمیت و قطعیت مجازات ها را متزلزل نموده و این موضوع باعث عدم توازن هزینه جرم برای مرتکبین جرائم شده است. اهمیت جرائم مواد مخدر و روان گردان در زمان کنونی بیش از هر زمان دیگری است چرا که با بررسی های به عمل آمده و استعلامات اخذ شده توسط نگارنده از سازمان زندان ها، مشخص گردیده ۴۰ درصد زندانیان کشور مربوط به اشخاصی می باشد که مرتکب جرائم مواد مخدر و روان گردان گردیده اند و همچنین علت ارتکاب بزه توسط ۳۰ درصد دیگر بزهکاران زندانی در زندان ها با جرائم مواد مخدر و روان گردان مرتبط می باشد به دین صورت که زندانیان یا دارای اعتیاد بوده اند و یا اعتیاد زندانیان تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم در ارتکاب جرم آن ها داشته است و همچنین طی بررسی های به عمل آمده مشخص گردیده یکی از عوامل اصلی طلاق و فروپاشی خانواده ها که خود پایه ساز بسیاری از کج روی های اجتماعی می باشد، اعتیاد یکی از زوجین بوده است، النهایه می بایست با انجام تدابیری از جمله قطعیت بخشیدن به احکام حبس صادره به مقابله با جرائم مواد مخدر و تبعات این گونه جرائم، پرداخته شود. این نوشتار در پی پاسخ دهی به این پرسش است که تاثیر قطعیت مجازات حبس در جرائم مواد مخدر و روان گردان در استان البرز در بازه زمانی سال های ۱۳۹۸ لغایت ۱۳۹۹ به چه میزان بوده و بزهکاران در این بازه زمانی چه میزان از نهاد های تخفیفی که نقطه مقابل قطعیت محکومیت های حبس می باشد استفاده نموده اند و برای بررسی این موضوع مجازات حبس در سه مرحله مختلف برای بزهکار بالقوه جرائم مواد مخدر و سپس، فرد محکوم به حبس در جرائم مواد مخدر و تصمیم گیری های وی برای ارتکاب جرم یا تکرار آن با آمار های به دست آمده از سازمان زندان ها و نیروی انتظامی استان البرز بررسی می



گردد، علت انتخاب این بازه زمانی نیز گسترش بی رویه استفاده از نهاد های ارفاقی در مجازات کردن بزهکاران در سال های اخیر می باشد.

۱- مرحله تصمیم گیری برای ارتکاب جرائم مواد مخدر و روان گردان

فردی که قصد ارتکاب جرمی را دارد از لحظه اندیشه ارتکاب جرم در ذهن تا تحقق فعل مجرمانه در خارج مراحل طی می کند که آن را میتوان مسیر جرم یا راه جرم نامید. شخصی که قصد ارتکاب جرم دارد در این مسیر ابتدائاً تمامی کنش ها و واکنش های پیش روی خود را می سنجد، شخص بزهکار در ابتدای تفکر برای ارتکاب بزه اقدام به توازن سنجی فی مابین تبعات ارتکاب بزه و عواید حاصله از ارتکاب بزه می نماید. در این زمینه به این موضوع نیز می توان اشاره کرد که اکثر متهمان مرتبط با جرائم مواد مخدر پس از ارتکاب چندین باره جرائم دستگیر می شوند و از ناحیه اقدامات مجرمانه خود منافعی را قبل از دستگیری حاصل می نمایند و این وضعیت موجب کاهش بازدارندگی از جرم و افزایش منافع حاصله برای مرتکبین جرائم مواد مخدر بلاخص برای قاچاقچیان، تولیدکنندگان و مرتکبین حرفه ای جرائم مرتبط با مواد مخدر می گردد. هر فرد در شرف ارتکاب بزه حتی به صورت ناخودآگاه، بر پایه محاسبه نفع و لذت و رنج و ناراحتی حاصل از رفتار بزهکارانه اش، امور خود را اداره می کند. پس اگر دریابد که پیامد رفتار مجرمانه ای که از آن نفع می برد مجازات خواهد بود، این دریافت، با نوعی قدرت، او را از ارتکاب آن رفتار مجرمانه باز می دارد. به سخن دیگر، اگر ارزش کلی مجازات، بیشتر از ارزش لذت باشد، نیروی بازدارنده بر رفتار چیره می شود و جرم رخ نخواهد داد. در نتیجه، به باور بنتمام کسی که تصمیم به ارتکاب جرم دارد، به مثابه یک اقتصاد دان با ارزشیابی و سبک سنگین کردن سود و زیان ناشی از جرم، عمل می کند (پرادل، ۱۳۹۳، ص ۶۷). اگر ما روزه هایی برای مجرم ایجاد کنیم که وی متوجه بشود ممکن است دستگیر نشود، محکوم نشود یا اگر محکوم شد از نهاد های متعدد ارفاقی استفاده نماید، این موضوع در قطعیت مجازات ها تاثیر به سزایی می گذارد و در نتیجه مجازات دیگر بازدارندگی خود را نخواهد داشت. بر اساس نظریه بازدارندگی یکی دیگر از موضوعاتی که متهمین قبل از ارتکاب بزه به آن فکر می کنند فاصله زمانی فی مابین ارتکاب بزه، دستگیری و اعمال مجازات می باشد. اعمال مجازات حسس باید با وقوع جرم چندان فاصله زمانی ای نداشته باشد، چرا که در غیر این صورت تصور لازم میان جرم و کیفر به سستی خواهد گراید زیرا هرچه زمان میان ارتکاب عمل مجرمانه و مجازات کوتاه تر باشد، تداعی دو مفهوم جرم و کیفر در ذهن انسان پایدارتر و قوی تر خواهد بود به نحوی که انسان رفته رفته یکی را علت و دیگری را معلول ضروری و حتمی به شمار می آورد. بنابراین سرعت در انجام محاکمات در کنار عطف و مهربانی با مجرمان نه خشونت و



سخت دلی نسبت به آنان و رعایت عدالت با متهمان از جمله راهکار های منتهی به بازدارندگی کیفرها محسوب می شود (آقایی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸). هنگامی که ابزار مجازات حبس در طول زمان به تاخیر افتد باید این موضوع را در نظر داشت که تهدید مجازات حبس ممکن است عملا تاثیری بر تصمیم گیری بزهکاران بالقوه و در تکرار جرم برای محکومین جرائم مواد مخدر به علت عدم بازدارندگی خاص مجازات سابق به جهت عادی انگاری آن به دلیل بازه زمانی طولانی فی مابین ارتکاب بزه تا مجازات، نداشته باشد، زیرا زمانی که شخص بزهکار دستگیر می گردد ترس از مجازات و برآورد میزان مجازات در انتظار متهم، وی را آزار می دهد اما اگر بازه زمانی به درازا کشد موضوع کم کم برای بزهکار عادی و بازدارندگی آن برای جرائم آینده متهم کمتر می گردد. اما این موضوع در جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان با توجه به اینکه رسیدگی به این گونه جرائم در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت مراجع اختصاصی (دادگاه انقلاب اسلامی) می باشد سرعت رسیدگی به جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان به مراتب بالاتر از سایر جرائم تحت رسیدگی مراجع عمومی کیفری می باشد. طی بررسی ها و تحقیقات به عمل آمده با توجه به حجم گسترده متهمین مرتبط با جرائم مواد مخدر نشان از این موضوع دارد که ابتدا به این دلیل که احتمال دستگیری مرتکبین به جرم مرتبط با مواد مخدر در مرتبه های اولیه ارتکاب جرم به جهت ضعف مراجع انتظامی در اقدامات اولیه جهت مقابله با این گونه جرائم، بسیار پایین می باشد باعث گردیده است که متهمین بالقوه افزایش و حتی به متهمین بالفعل تبدیل گردند و این امر باعث کاهش حتمیت و قطعیت دستگیری و به تبع آن مجازات مرتکبین و ایجاد باور این موضوع که هرکسی مرتکب جرمی شود قطع به یقین مجازات خواهد شد در مرتکبین جرائم مرتبط با مواد مخدر و روانگردان شده است. جهت جلوگیری از ارتکاب بزه در مرحله ابتدایی که شخص تصمیم به ارتکاب بزه می گیرد می توان از نظریات جرمشناسی پیشگیری وضعی کمک گرفت، پیشگیری وضعی عبارت است از اقدام به محدود نمودن فرصت های ارتکاب جرم یا مشکل نمودن تحقق فرصت های پیش روی شخصی که قصد ارتکاب جرم را دارد. به عبارت دیگر پیشگیری وضعی یا فنی شامل مواردی است که از طریق کاهش فرصت های مجرمانه باعث جلوگیری از ارتکاب جرم می شود (پرویزی، ۱۳۷۹، ۱۶). گسن نیز معتقد است: ((پیشگیری مجموعه اقدام هایی است که به جز اقدامات کیفری، هدف نهایی آن منحصر محدود کردن دامنه ارتکاب جرم، غیر ممکن کردن، مشکل کردن و کم کردن احتمال وقوع جرم است)). در پیشگیری وضعی در جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان به دنبال این موضوع هستیم که در ذهن شخص بزهکار بالقوه چه موقعیت ها و افکاری موجود است که او را به سمت ارتکاب جرم سوق می دهد که با محدود نمودن این موقعیت ها به پیشگیری از ارتکاب این گونه جرائم بپردازیم.



نظریات پیشگیری وضعی عبارتند از:

۱- نظریه گزینش عقلانی: کلارک به همراه کرنیش بر این عقیده اند که بزهکاران بالقوه تصمیم گیرندگان عاقلی هستند که به دنبال تامین منافع اقتصادی خویش پس از ارزیابی میزان خطر و منافع حاصل از آن از طریق ارتکاب بزه هستند (رزنبام، ۱۳۷۹: ۱۵۱) و به عقیده تیرنی در نظریه جرم‌شناسی مدیریتی می بایست با افزایش هزینه های ارتکاب جرم امکان وقوع جرم را کاهش داد. در این نظریه از طریق افزایش قطعیت دستگیری تا قطعیت مجازات هزینه های ارتکاب بزه را برای شخص بزهکار افزایش داد.

۲- نظریه شیوه و سبک زندگی: روش و سبک زندگی افراد به دو گونه سبک گزینشی و اجباری تقسیم می شود. در سبک زندگی گزینشی فر خود مخیر به انتخاب شیوه زندگی خود می باشد، اما در سبک زندگی اجباری روشی است که فرد در انتخاب آن اختیاری ندارد و به علل متفاوتی از جمله فقر مجبور به گزینش این سبک زندگی می باشد. که در مواردی که سبک زندگی فرد به صورت اجباری تعیین گردیده که معمولاً در نقاطی می باشد که افراد ساکن از لحاظ فرهنگی و اقتصادی در فقر به سر می برند و این موقعیت احتمال ارتکاب بزه را تشدید می نماید در این نقاط شیوع ارتکاب جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان به مراتب از سایر نقاط بیشتر می باشد. جهت جلوگیری از ارتکاب بزه در این نقاط می بایست از طریق مراقبت از محله توسط اهالی و در سطوح بالاتر از طریق گشت زنی های پلیسی امکان ارتکاب بزه را برای بزهکاران بالقوه کاهش داد.

۳- نظریه فعالیت های روزمره: فعالیت های روز مره اشخاص در افزایش بزه دیده گی آنان تاثیر به سزایی دارد به طور مثال زمانی که شخصی در فاعلیت های روزانه خود بالاجبار در مکان هایی رفت و آمد دارد که آماج بزهکاری در آن مکان ها وجود دارد بیشتر در معرض ارتکاب بزه قرار می گیرد، به عبارت دیگر می توان گفت، فعالیت های روزمره می تواند افراد را در موقعیت های خطر ساز قرار دهد، که با اطلاع رسانی های مقتضی و فرهنگ سازی می توان از این موضوع نیز جلوگیری کرد و اقدام به کاهش تحریک پذیری این اشخاص در مقابل تحرکات ایجاد شده برای ارتکاب بزه، نمود.

۴- نظریه فضای قابل دفاع: این رویکرد بر نقش و تاثیر محیط فیزیکی تاکید می کند. بر اساس این نگرش می توان با تغییر محیط فیزیکی و مداخله در طراحی فضاهای مسکونی و تجاری میزان بزهکاری را با کاهش مواجه نمود. به طور مثال، زمانی که مکان های مسکونی و تجاری به گونه ای طراحی و مهندسی گردند که شخص وقتی قصد ارتکاب جرم می نماید اشخاص یا امکانات



تجهیزات مدرن مانند دوربین مداربسته را مقابل خود مشاهده نموده که اقدامات وی جهت ارتکاب بزه را در دید دیگران قرار می دهد و این خود در کاهش ارتکاب بزه به خصوص در فروش مواد مخدر و روان گردان تاثیر به سزایی دارد، زیرا زمانی که یک فروشنده مواد مخدر امکان شناسایی خود در یک فضای مسکونی یا تجاری را به میزان بالا ارزیابی نماید ریسک ارتکاب بزه در آن مکان را نمی نماید.

۲- در جریان دستگیری تا اجرای حبس محکومین جرائم مواد مخدر و روان گردان

در مباحث مطرح شده در گفتار قبلی مشخص گردید زمانی که بزهکار بالقوه در مقام تصمیم گیری برای ارتکاب جرم قرار می گیرد، سالهای حبس مقرر برای بزه مورد نظر را محاسبه می نماید، و این سال های حبس در نظر بزهکار بالقوه دارای ارزش یکسانی نمی باشد و هر سال اهمیت کمتری از سال قبل دارد تاجایی که به مرحله ای می رسد که هر سالی بر مدت حبس افزوده شود، عملاً برای بزهکار بی معناست و آن را در تصمیم گیری خود لحاظ نمی کند. به این ترتیب گفتار قبل ناظر به مرحله تصمیم گیری برای ارتکاب جرم و قبل از دستگیری مرتکب جرم بود. اما در گفتار حاضر با نگاه آماری به متهمین دستگیر شده و محکوم شده به حبس مرتبط با جرائم مواد مخدر و روان گردان استان البرز در بازه زمانی سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ این موضوع مدنظر است که وقتی بزهکار جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان ابتدا دستگیر و سپس با طی فرایند رسیدگی قضایی به حبس محکوم می شود و اجرای مجازات وی آغاز می گردد، آنچه عملاً در راستای رسیدگی قضایی به اتهام انتسابی و اجرای مجازات حبس تجربه می کند چه کیفیتی دارد و با چه قاطعیتی با او برخورد می شود و این امر چه دلالتی بر حسابگری آتی وی برای ارتکاب مجدد جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان خواهد داشت و همچنین تاثیر استفاده بی رویه از نهاد تخفیفی یا برخورد قضایی سهل با مرتکبین جرائم مواد مخدر از مرحله دستگیری تا اجرای کامل مجازات حبس موضوع حکم بر برنامه ریزی های آتی شخص محکوم برای ارتکاب مجدد جرائم مرتبط با مواد مخدر خواهد داشت.

قطعیت و حتمیت مجازات، نسبت به کسانی که در گذشته حداقل یک بار مرتکب جرم شده اند، دارای آثار بازدارندگی بیشتری است و این یعنی اینکه، بزهکاران نسبت به اشخاص ناکرده بزه در برابر تهدیدهای کیفر حساس تر هستند. این حساسیت زمانی کارساز و موثر خواهد بود که شخص بزهکار بالقوه ترس از دستگیری و مجازات تمام و کمال مجازات را داشته باشد یا به بیان دیگر



مجازات مورد انتظار شخص بزهکار بالقوه بیش از نفع حاصله از ارتکاب بزه باشد و شخص احتمال دستگیری و مجازات را در خود حس نماید.

سزار بکاریا به مانند منتسکیو به این عقیده است که مجازات می بایست قطعی و حتمی باشد، و حتمی بودن مجازات حتی اگر معتدل باشد، همیشه تاثیری شدیدتر از مجازاتی موحش که امید رهایی در آن دارد به جای می گذارد. بکاریا برای اینکه مجازات قاطعانه اجرا شود و هیچ گونه امیدی برای فرار از آن ها در دل افراد بزهکار بالقوه ایجاد نشود و آن ها را به ارتکاب جرم وسوسه نکند سه پیشنهاد را مطرح می کند:

الف) عدم تاثیرگذاری عفو و گذشت بر کیفر؛ سزار بکاریا با حق عفو مخالف می باشد و بیان می دارد اگر شخص اول مملکت حقهو مجرمان و محکومان را داشته باشد، اطمینان به مجازات ها سست خواهد شد لذا عفو با احسان و انسانیت سازگار است اما با مصلحت عمومی سازگار نیست.

ب) ملایم بودن کیفرها؛ برای اینکه کیفرها حتما اعمال شود باید ملایم تر باشد، تا هم ضرورت عفو و نهاد های ارفاقی کم تر احساس شود و هم به بهانه های دیگر از اجرای آن صرف نظر نشود.

پ) مجازات می بایست اثر پایدار در ذهن مردم پیدا کند؛ بکاریا معتقد است یکی از عواملی که از جرم جلوگیری می کند تاثیر پایدار مجازات است. وی برای اینکه مجازات اثر پایدار در ذهن عموم داشته باشد پیشنهاد می کند که مجازات ها مدت دار و تدریجی باشد، نه شدید و ناگهانی، زیرا این گونه مجازات ها ژرف ترین اثر را بر روی روح انسان باقی می گذارد.

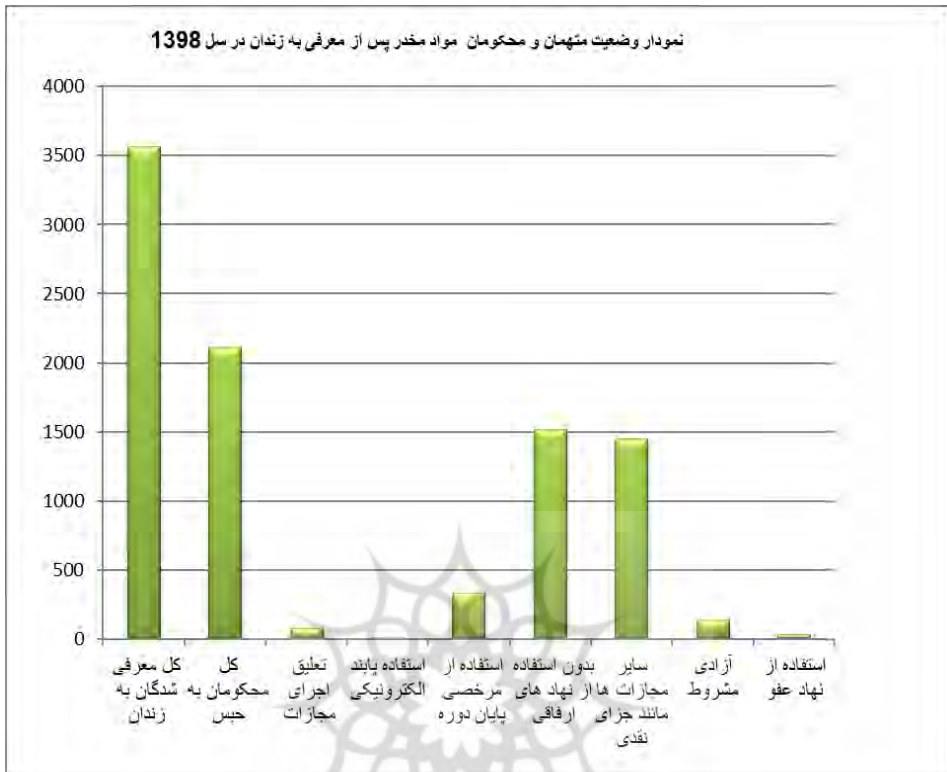
پیشنهاد دیگر بکاریا جهت تاثیرگذاری مجازات ها این است که با بازه زمانی کم بعد از ارتکاب جرم ، مجرم مجازات گردد زیرا زمانی که فاصله زمانی بین کیفر و ارتکاب بزه کوتاه می شود در تداعی دو مفهوم جرم و کیفر در ذهن عموم قوی تر و پایدار تر شود زیرا انسان رفته رفته یکی را علت و دیگری را معلول ضروری و حتمی به شمار می آورد و از طرف دیگر مرتکب را از عذاب های موحش و بیهوده و بلا تکلیفی نجات می دهد .

در سال ۱۳۹۸ طی آمار کسب شده از ناجا استان البرز ۱۳۳۰۸ نفر به دلیل ارتکاب جرائم مرتبط با مواد مخدر در حالی که همراه خود مواد مخدر یا روان گردان داشته اند و ۱۳۳۵۰ نفر به عنوان معتاد متجاهر دستگیر و به مراجع قضایی استان البرز معرفی می گردند و که از تعداد نفراتی که به عنوان متهم به جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان به دادسراهای عمومی و انقلاب استان البرز معرفی می گردند ۳۵۶۶ نفر با قرارهای تامین کیفری به ندامتگاه های استان البرز (ندامتگاه



کرج و ندامتگاه فردیس) اعزام می گردند و از تعداد پرونده های متشکله نیز ۲۱۱۱ نفر به حبس محکوم می گردند و از تعداد محکومین ۱۴۱ نفر با قرار آزادی مشروط، ۷۹ نفر با قرار تعلیق اجرای مجازات، ۳۲ نفر با عفو، ۱۴ نفر با پابند الکترونیکی و ۳۲۸ نفر با مرخصی پایان حبس که معمولاً چهار ماه آخر حبس بوده است، قبل از اتمام حبس مورد حکم آزاد شده اند. در سال ۱۳۹۹ طی آمار کسب شده از ناجا استان البرز ۱۱۰۲۶ نفر به دلیل ارتکاب جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان در حالی که همراه خود مواد مخدر یا روان گردان داشته اند و ۲۷۷۹ نفر به عنوان معتاد متجاهر دستگیر و به مراجع قضایی استان البرز معرفی می گردند و که از تعداد نفراتی که به عنوان متهم به جرائم مرتبط با مواد مخدر به دادسراهای عمومی و انقلاب استان البرز معرفی می گردند، ۲۷۳۷ نفر با قرارهای تامین کیفری به ندامتگاه های استان البرز (ندامتگاه کرج و ندامتگاه فردیس) اعزام می گردند و از تعداد پرونده های متشکله نیز ۱۵۴۱ نفر به حبس محکوم می گردند و از تعداد محکومین ۱۸۳ نفر با قرار آزادی مشروط، ۲۶ نفر با قرار تعلیق اجرای مجازات، ۶۳ نفر با عفو، ۸۸ نفر با پابند الکترونیکی و ۴۴۱ نفر با مرخصی پایان حبس که معمولاً چهار ماه آخر حبس بوده و ۲۳۲ نفر با بخشنامه ریاست محترم قوه قضاییه تحت عنوان طرح پایش کل زندانیان، قبل از اتمام حبس مورد حکم آزاد شده اند. البته لازم به ذکر است تفاوت فی مابین دستگیر شدگان سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به لحاظ بازدارندگی مجازات ها نبوده بلکه علت آن شیوع فاحش بیماری منحوس کرونا در اواخر سال ۱۳۹۸ در کشور بوده که در دستگیری ها نیروی انتظامی به لحاظ جلوگیری از شیوع بیماری در زندان های استان البرز و در کمپ های ترک اعتیاد استان البرز تاثیر پذیرفته است چرا که اگر وضعیت کشور عادی می بود میزان دستگیرشدگان در سال ۱۳۹۹ تفاوت فاحشی با آمار ارائه شده می داشت. (نمودار های شماره ۱ الی ۵)





کل معرفی شدگان به زندان: ۳۵۶۶ آزادی مشروط: ۱۴۱

کل محکومان به حبس: ۲۱۱۱ استفاده از نهاد عفو: ۳۲

تعلیق اجرای مجازات: ۷۹

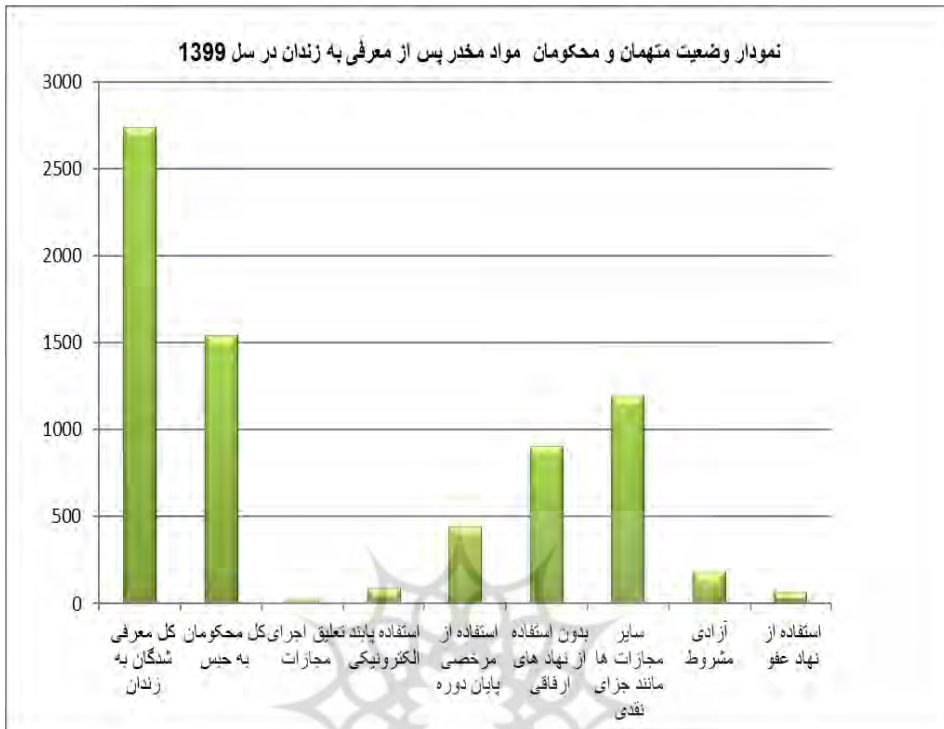
استفاده یابند الکترونیکی: ۱۴

استفاده از مرخصی پایان دوره: ۳۲۸

بدون استفاده از نهاد های ارفاقی: ۱۵۱۷

سایر مجازات ها مانند جزای نقدی: ۱۴۵۰





کل معرفی شدگان به زندان: ۲۷۳۷

کل محکومان به حبس: ۱۵۴۱

تعلیق اجرای مجازات: ۲۶

استفاده پایبند الکترونیکی: ۸۸

استفاده از مرخصی پایان دوره: ۴۴۱

بدون استفاده از نهاد های ارفاقی: ۹۰۵

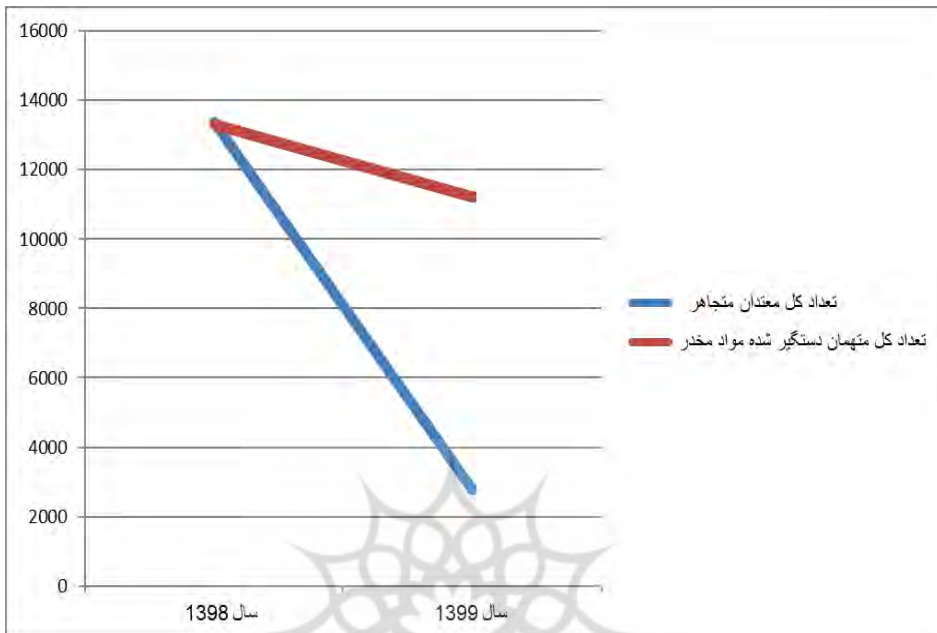
سایر مجازات ها مانند جزای نقدی: ۱۱۹۶

آزادی مشروط: ۱۸۳

استفاده از نهاد عفو: ۶۳



نمودار مقایسه ایی تعداد متهمان و معتادان متجاهر مواد مخدر در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹

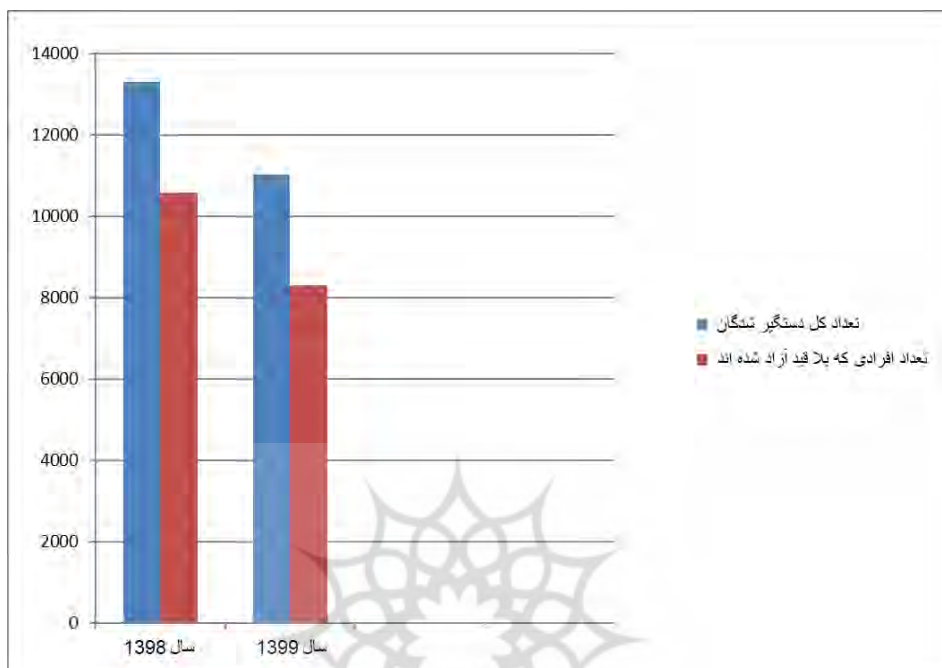


سال ۱۳۹۸: تعداد کل معتادان متجاهر (۱۳۳۵۰)، تعداد کل متهمان دستگیر شده مواد مخدر (۱۳۳۰۸)

سال ۱۳۹۹: تعداد کل معتادان متجاهر (۲۷۷۹)، تعداد کل متهمان دستگیر شده مواد مخدر (۱۱۲۰۶)



نمودار مقایسه تعداد متهمانی که پس از دستگیری بلا قید آزاد شده اند



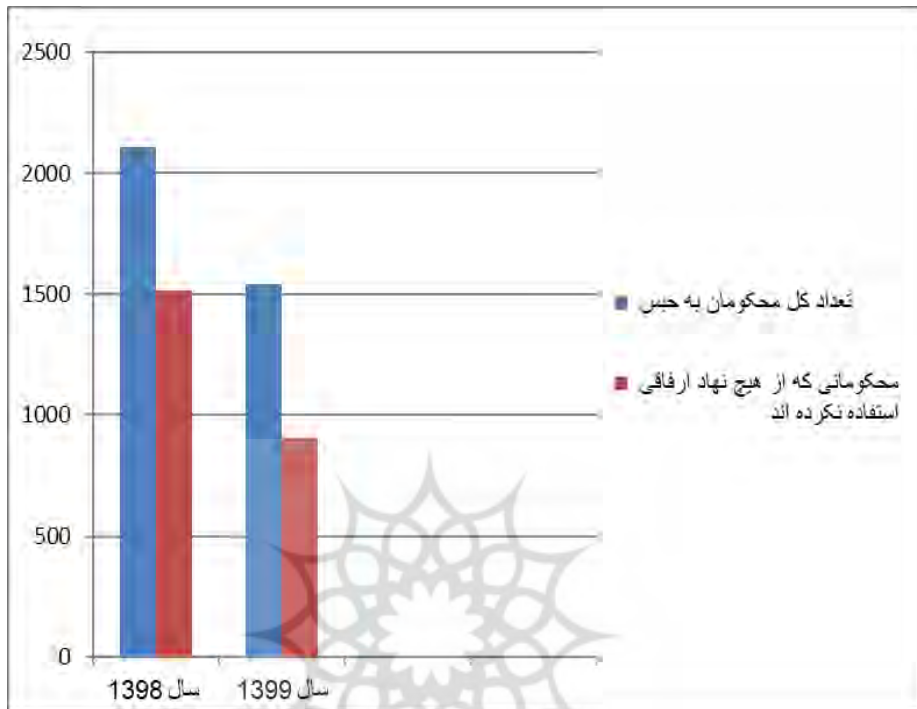
سال ۱۳۹۸: تعداد کل دستگیر شدگان (۱۳۳۰۸)، تعداد افرادی که بلا قید آزاد شده اند (۱۰۵۷۱)

سال ۱۳۹۹: تعداد کل دستگیر شدگان (۱۱۰۲۶)، تعداد افرادی که بلا قید آزاد شده اند (۸۲۸۹)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار مقایسه تعداد محکومانی که از هیچ نهاد تخفیفی استفاده نکرده اند



سال ۱۳۹۸: تعداد کل محکومان به حبس (۲۱۱۱)، محکومانی که از هیچ نهاد ارفاقی استفاده نکرده اند (۱۵۱۷)

سال ۱۳۹۹: تعداد کل محکومان به حبس (۱۵۴۱)، محکومانی که از هیچ نهاد ارفاقی استفاده نکرده اند (۹۰۵)

همان گونه که از آمار ارائه شده برداشت می گردد فرسایش بسیار شدیدی در جریان رسیدگی به پرونده های مرتکبین جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان مواجه گردیده و به سان یک مسابقه دو ماراتن می باشد که افراد خاص و بسیار کمی موفق به طی نمودن مسیر سیکل جنایی و در نهایت مجازات به صورت قطعی و حتمی گردیده اند. در جریان این رسیدگی نباید این موضوع را نیز پنهان نمود که بسیاری از بزه های ارتکاب یافته در جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان وارد سیکل جنایی نگردیده و به بیان بهتر بزه کاری ها پنهان یا رویت نشده ای وجود دارد که در برخی از موارد با میزان مرتکبین وارد شده به سیکل جنایی برابری و یا حتی بیش تر از این تعداد



می باشند. پس از سپری شدن سیکل جنایی آمار بین بزهکاری واقعی و بزه های کشف شده و در نهایت مجازات شده به صورت قطعی و حتمی را می توان به یک کوه یخ مانند نمود که تنها نوک آن نمایان است و بخش عظیمی از آن به دلایل مختلف که خود ناشی از عدم قطعیت و حتمیت سیکل جنایی از زمان کشف جرم تا زمان مجازات می باشد، که در آمار ارائه شده این موضوع به وضوح قابل فهم است، که باعث گردیده فی مابین منافع حاصله برای مرتکبین جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان با مجازات در انتظار آنان تفاوت فاحشی ایجاد شود و ارتکاب بزه را برای این مرتکبین و به خصوص مرتکبین قاچاق مواد مخدر و روان گردان با اوزان سنگین به صرفه تر نماید.

در آمار ارائه شده اشخاصی نیز که تاکنون از نهاد های ارفاقی استفاده ننموده اند به دلیل عدم بهرمندی آنان به لحاظ قطعیت مجازات نبوده است بلکه عدم شمولیت نهادهای ارفاقی در خصوص این محکومین به علت میزان حبس بالای آنان (از درجه ۳ الی درجه ۱) می باشد و در بازه زمانی مورد بررسی مطابق قواعد ارفاقی حداقل مجازات حبس خود را جهت بهره مندی از نهاد های ارفاقی سپری ننموده اند و می توان به جرات گفت که در زمان حاضر هیچ یک از محکومین به حبس در جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان به صورت قطعی و حتمی مجازات خود را سپری نخواهند کرد. در واکاوی اختلاف فاحش بین جرائم ارتکابی مرتبط با مواد مخدر و روان گردان و میزان مرتکبین مجازات شده این گونه جرائم به این نتیجه می توان دست یافت که اگر تمامی مرتکبین جرائم فوق الذکر دستگیر و بر اساس مقرره های قانونی موجود، قرار بر مجازات آنان می بود در زندان های کشور با سیل عظیمی از متهمین مرتبط با مواد مخدر و روان گردان مواجه می شدیم که این خود بحران هایی در پی خواهد داشت. چرا که در آمار های ارائه شده از سوی سازمان زندان های کل کشور ۴۰ درصد زندانیان به علت ارتکاب جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان در زندان می باشند و این آمار در مقایسه با کل مرتکبین، آماری بسیار ناچیز می باشد. این موضوع را می توان از جمله سیاست های کلی نظام کیفری کشور به شمار آورد، چرا که در حال حاضر جمعیت موجود زندان های کشور در برابر تراکم زندان های کشور آماری چند برابری دارد و اگر با این خیل عظیم از متهمین و محکومین جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان مواجه می گردید با توجه به فضای فیزیکی موجود زندان های کشور مکانی جهت نگهداری زندانیان نداشته و همچنین با توجه به وضعیت تحریم های ظالمانه حاکم بر کشور در صورت عدم استفاده از نهادهای ارفاقی از زمان دستگیری متهمین تا زمان محکومیت هزینه ای سنگین بر اقتصاد کشور در نگهداری زندانی ها تحمیل می گردید، رئیس کل زندان های استان ایلام در فروردین ماه سال ۱۳۹۸ هزینه هر زندانی را در آن زمان روزانه یک میلیون و دویست هزار ریال اعلام نموده است (



بر گرفته از بخش دنیای اقتصاد روزنامه صبح ایران به شماره خبر ۳۵۱۴۶۲۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۵ با احتساب تورم از زمان اعلام خبر تا زمان حاضر این هزینه چندین برابر گشته است. با توجه به بحران اقتصادی کشور بالاچار می بایست از نهاد های تخفیفی هرچند باعث اشاعه جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان در جامعه می شود، از ابتدای دستگیری تا زمان تحمل کیفر استفاده نمود. به همین دلیل در رویه قضایی قضات دادسراهای کشور معمولاً جرائم ارتكابی مرتبط با مواد های مخدر موضوع بند های اول و دوم ماده ۵ و مواد های روان گردان موضوع بند های اول و دوم ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر با این استدلال که با توجه به اعتیاد متهم و میزان مواد مخدر کشفی از متهم که دلالت بر مواد مخدر مصرفی وی دارد و اعتیاد، متهم را جهت نگهداری مواد مخدر مصرفی خود مسلوب الاختیار نموده است، سوء نیت متهم را در ارتكاب بزه محرز ندانسته و بر اساس مقرر ماده ۱۵ یا ۱۶ قانون اخیر الذکر حسب مورد متهمین را به کمپ ها ترک اعتیاد اعزام می نمایند. حتی در این خصوص نظریات مشورتی ای از اداره حقوقی قوه قضائیه صادر گردیده است. در آمار ارائه شده نیز این موضوع به وضوح مشخص است چرا که تعداد دستگیر شدگان با تعداد معرفی شدگان به زندان تفاوتی بسیار فاحشی دارد.

۳- بعد از حاتمه اجرای مجازات حبس محکومین به جرائم مواد مخدر و تکرار جرم مرتکبین جرائم مواد مخدر و روان گردان

در گفتار های قبلی به بیان و بررسی مراحل تصمیم گیری بزهکار جهت ارتكاب جرم تا مرحله اجرای حبس پرداختیم، لیکن در این گفتار به بررسی مرحله ی پس از اجرای مجازات حبس در جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان با نگاه آماری به ۵۰۰ نفر از محکومین به حبس که با نهاد های ارفاقی و قبل از اتمام مدت محکومیت آزاد گردیده اند، بررسی می نمایم که این اشخاص به چه میزان برگشت به جرم داشته اند.

امروزه رشد روز افزون بزهکاری به ویژه آمار تکرار کنندگان جرم توجه مدیران اجتماعی و سیاست گذاران جنایی را به خود جلب نموده است، بی گمان همگان اذعان به این موضوع دارند که مساله تکرار جرم یکی از مباحث مهم حقوق کیفری محسوب می گردد و به تبع آن با توجه به حجم گسترده مجرمین مرتبط با مواد مخدر و روان گردان در زندان های کشور تکرار جرم این گونه بزهکاران اهمیت ویژه جهت بررسی چرایی این موضوع دارد. تکرار جرم از جمله دقیق ترین و سخت ترین مباحث حقوق کیفری است، هم از آن جهت که با مسائل جزایی و اجتماعی مرتبط



است و هم به آن دلیل که در راستای اجرای عدالت در ارتباط با آن مشکلات متعددی برای دادگاه ها و جامعه ایجاد می شود.

اهمیت تکرار جرم به گونه ای است که به گفته ریموند گسن در کتاب جرم شناسی نظری، تکرار جرم بی گمان ظریف ترین مساله جرم شناسی را تشکیل می دهد که باید به حل آن پرداخت و مساله در حاشیه تبهکاری نیست (گسن ، ریموند، ۱۳۷۴، ص ۹۸). افزایش تکرار جرم در جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان در جامعه علاوه بر این که خود معضلی مهم محسوب می گردد، هزینه های سنگینی برای جامعه و نظام عدالت کیفری در بر دارد، چرا که تکرارکنندگان این جرائم در واقع کسانی هستند که سابقه محکومیت کیفری و اعمال مجازات بر این بزهکاران نتوانسته منجر به اصلاحشان شود، در یک کلام می توان گفت تکرار جرم به عنوان معیار منحصر به فرد ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت نظام کیفری در اعمال کیفر و اقدامات تامینی و تربیتی جهت اصلاح محکومین می باشد، به بیان دیگر در یک جامعه هرچند میزان تکرار جرم کمتر باشد نشان از این موضوع دارد که سیاست های کیفری اتخاذ شده در آن جامعه به چه میزان موثر بوده است. افزایش تکرار جرم موجب افزایش هزینه نظام عدالت کیفری می گردد چرا که با برگشت یک بزهکار به جرم، سیکل هزینه های صورت گرفته برای محکومیت یک شخص بزهکار از جمله هزینه های دستگیری توسط ضابطین دادگستری، هزینه های رسیدگی قضایی به بزه ارتكابی و هزینه های نگهداری و اصلاح و بازسازی زندانی پس از دستگیری مجدداً به جریان می افتد.

در خصوص قوانین و مقررات مربوط به تکرار جرم توسط مجرمین در قوانین موضوعه ی کشور قواعدی مقرر شده که این قواعد در ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی سال ۱۳۹۹ تشریح و تبیین کشته است لیکن قانونگذار در خصوص جرایم مرتبط با مواد مخدر با عنایت به اهمیت پیشگیری از تکرار جرم توسط مجرم قواعد اختصاصی در مواد ۶ و ۹ قانون مبارزه با مواد مخدر در نظر گرفته می از رجوع به عمومات باید خودداری کرد چرا که در موارد مشابه رجوع به عمومات با وجود قانون خاص جائز نمیباشد اما در موارد غیر مشابه که شرایط مقررات تکرار جرم موضوع مواد ۶ و ۹ قانون مبارزه با مواد مخدر فراهم نیست ولی شرایط ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی فراهم میباید به عمومات رجوع کرد چرا که قانون خاص در این مورد ساکت میباید و بیانی ندارد. بنابراین مقررات تکرار جرم موضوع ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در جرائم مشمول ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر اعمال نخواهد شد چرا که قانون مبارزه با مواد مخدر قانون خاصی میباید که مقررات ویژه و خاصی را در مورد نحوه ی اعمال تکرار جرم بیان نموده است و ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مربوط به تکرار جرم در سایر جرائم غیر از مواد



مخدر میباشد چرا که عام موخر هیچ گاه ناسخ خاص مقدم نمی باشد و قانون مبارزه با مواد مخدر خاص مقدم التصویب از حیث زمانی بر ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی (عام) می باشد. علی ای حال حتی با تصویب قوانین خاص در خصوص تشدید مجازات تکرار جرایم مرتبط با مواد مخدر و با توجه به بررسی های به عمل آمده توسط نگارندگان در خصوص ۵۰۰ نفر از محکومین به حبس در جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان که با نهاد های ارفاقی و قبل از اتمام مدت محکومیت آزاد گردیده اند، مشخص شد بیش از ۴۰ درصد (۲۰۲ نفر) محکومین به حبس به خصوص محکومین با میزان مجازات سنگین (درجه ۴ و بالاتر) برگشت به جرم داشته اند و حتی برخی از این متهمان در زمان اعطای مرخصی زندان به آن ها اقدام به ارتکاب مجدد جرم نموده اند. لازم به ذکر است این آمار تکرار جرم متعلق به فواصل زمانی متفاوت بوده و بررسی آمار تکرار جرم محکومین به حبس در جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به دلیل اینکه تقریباً اکثر این محکومین در حال حاضر در حال گذران حبس خود پس از جریان رسیدگی می باشند میسر نیست و جهت بررسی جامعه آماری فواصل زمانی اعلامی نیاز به زمان چندین ساله و در برخی موارد چندین دهه ای در محکومین به مجازات های درجه ۳ الی ۱ می باشد. با عنایت به مطالب فوق و بررسی های آماری صورت گرفته می بایست سیاست ها، اقدامات، قوانین و قواعد دیگری در خصوص بازدارنده بودن مجازات های مرتبط با مجرمین مواد مخدر (مانند قاطعیت در اجرا آرا صادره) اتخاذ شود تا بتوان از تکرار این گونه جرایم جلوگیری کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه گیری

با توجه به مطالب ارائه شده می توان نتیجه گیری نمود که عدم قطعیت و حتمیت مجازات از مرحله کشف جرم تا مرحله اجرای مجازات می تواند اعتبار و دوام و بازدارندگی نظام کیفری یک جامعه را زیر سوال ببرد و همین امر باعث افزایش بیش از پیش بزهکاری به خصوص در حوزه جرایم مرتبط با مواد مخدر می شود. برای جلوگیری از این موضوع می بایست از شدت مجازات ها کاسته و در عوض حتمیت و قطعیت مجازات ها در تمامی مراحل افزایش یابد به گونه ای که اگر یک شخص قصد ارتکاب جرم را نمود، در اثر ارباب ایجاد شده ناشی از قطعیت و حتمیت مجازات ها از قصد خود صرف نظر نماید. همچنین می توان یکی از علل اصلی تزلزل ایجاد شده در اجرای قطعی مجازات ها در جرائم مواد مخدر با توجه به میزان بزهکاران این گونه جرائم و میزان زندانی های موجود در زندان های کشور حسب آمار ارائه شده ، وضعیت اقتصادی کشور ناشی از تحریم های ظالمانه می باشد که بودجه موجود کشور پاسخ گوی هزینه این تعداد زندانی را نداشته و ندارد، بر همین اساس بهترین شیوه مقابله و کاهش جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان جهت جلوگیری از کاهش بازدارندگی و پیشگیری در وقوع جرم در کشور کاهش شدت مجازات ها و افزایش حتمیت و قطعیت مجازات می باشد، زیرا اکثر قریب به اتفاق محکومیت های تعیینی در جرائم اعلامی فاقد قطعیت می باشد و مجرمین قبل از تحمل تمامی مجازات تعیینی خود در احکام صادره از محاکم آزاد می شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱- پرادل، ژان، (۱۳۹۳)، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: چاپ نهم، سمپ.

۲- پرویزی، رضا، (۱۳۷۹)، پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل، تهران: معاونت آموزش ناجا.

۳- رجبی پور، محمود، (۱۳۸۲)، راهبرد پیشگیری اتماعی از جرم تعامل پلیس و دانش آموز، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره سوم، صص ۱۳-۳۷.

۴- رزنام، دنیس، (۱۳۷۹)، پیشگیری وضعی از جرم، ترجمه: رضا پرویزی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۳۲، صص ۱۲۸-۱۴۷.

۵- گسن، ریموند، (۱۳۷۴)، جرمشناسی نظری، ترجمه دکتر مهدی کی نیا، چاپ اول، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

حقوق و مطالعات نوین

۶- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۷۹)، مقاله سیاست جنایی در قبال مواد مخدر.

7- Bar-Gill, Oren & Harel, Alon, Crime Rates and Expected Sanction: The Economics of Deterrence Revisited, The Journal of Legal Studies, The University of Chicago Press, vol . 30,2001.

8- Tierney, John (2009), Key Perspectives in Criminology, 1st Published, Mc Graw-Hill(UK).



The effect of the certainty of the execution of the prison sentence in deterring the repetition of crimes in the crimes of narcotics and psychotropic substances in Alborz province in 2018 and 2019

Vahid Chegeni¹ / Peyman Morabbi²

Abstract

The discussion of certainty and certainty of punishments in crimes against drugs and psychotropic substances means that when a person intends to commit a crime, what is the probability of his arrest from the stage of detection of the crime, and according to this, what is the probability of punishment and the completion of all There is a punishment in the judicial process for the perpetrators of crimes related to narcotic drugs and psychotropic substances, which during the investigations carried out by the author by examining the apparent and actual statistics of crimes related to narcotic drugs and psychotropic drugs committed in the period of 1398 and 1399 in In Alborz province, it has been determined that the degree of certainty and certainty of the punishments according to the statistics obtained remains like an iceberg in which only the snow on the tip of the peak is visible, and this issue increases the number due to the increase and usefulness of committing a crime against the punishment. crimes and reduced deterrence of punishments.

keywords: Imprisonment, deterrence, recidivism, deterrence.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Doctoral student of criminal law and criminology, Islamic Azad University, Department of Research Sciences, Judge of Justice. (Corresponding Author)
vahidchegeniii1990@gmail.com

² judge of justice.
peymanmorabi@gmail.com

